

140692

- NÜKTEBANLIK (Türk)

230465 ZEVCENİ Abdullah 88-967411  
6. Muhammed

Majdüb, al-Bashir.  
(Zurf wa-al-zurafā' bi-al-Hijāz fī  
al-aşr al-Umawī)  
الظرف والظرفاء بالحجاز في العصر  
المروي / البشير المجدوب. -- تونس :  
دار التركي، 1988.

146 p. ; 23 cm. —  
(سلسلة الحضارة العربية الإسلامية)  
Bibliography: p. 135-138.  
Includes indexes.  
ISBN 9973-715-02-0 : \$9.42 (U.S.)  
Afr-Lang.

16 ARALIK 1993

او نشکفت - هر آینه چو همه می خورد گل آرد بار» (رودکی) □  
«اگر سر آرد بار آن سنان او نشکفت - هر آینه چو همه می خورد  
سر آرد بار.» (دقیقی)؛ سلخ (پوست باز کردن) آن است که شاعر  
لفظ و معنی را از شاعری دیگر بگیرد، ترکیب کلمات را تغییر  
دهد و به گونه‌ای دیگر بیان کند: «هر که نامخت از گذشت روزگار -  
نیز ناموزد ز هیچ آموزگار.» (رودکی) □ «مگر پیش بشناخت  
روزگار - که به زو نیابی تو آموزگار.» (ابوشکور بلخی). عقد  
(بستن) در اصطلاح یعنی منظوم کردن نثر نویسنده‌ای دیگر و به  
خود بستن آن. حل (گشودن) عکس عقد است و در اصطلاح  
یعنی سخن منظوم را به نثر بدل کردن و به خود بستن آن. ترجمه  
در اصطلاح یعنی نقل مضمون شعری از زبانی به زبان دیگر:  
«رَقُّ الرُّجَاجِ وَرَقَّتِ الخَمْرُ - فَتَشَابَهَا فَتَشَا كَلَّ الامْرُ - فَكأنه خَمْرٌ  
ولا قدحٌ - وكأنها قدحٌ ولا خمرٌ» (صاحب بن عباد) □ «آن صافی  
که چون به کف دست برنهی - می از قدح ندانی و نی از قدح  
نیید.» (کسایی مروزی). مورد دیگری که معمولاً آن را از سرقات  
جدا می‌کنند توارد (رسیدن دو نفر با یکدیگر در یک جا، از یک  
سرچشمه آب گرفتن) است و در اصطلاح یعنی این که دو شاعر،  
بدون آگاهی از شعر یکدیگر، یک معنا را در الفاظی شبیه به هم  
بیان کنند. از خویش دزدی (selfplagiarism)، در اصطلاح نقد  
اروپایی آن است که شاعری، معانی ابداعی خود را به گونه‌های  
مختلف در آثار خود تکرار کند، مانند تصویر زمان به گونه مرغ در  
اشعار ناصر خسرو: «چون نبینی که یکی زاغ و یکی باز سپید -  
اندین گنبد گردنده پس یکدگر است» □ «تاکی مرین سیاه کبوتر  
مران سپید - چون بگذرند پزّهما بریگسترند».

کوتاه - به نظم و نثر - که در آغاز کتاب یا در ابتدای هر فصل از  
کتاب می‌آورند تا خواننده یا مخاطب را با زمینه، درنمایه\* و  
موضوع اثری که فرارویش قرار دارد، آشنا کنند. آوردن سرلوحه  
در هر نوع کتابی با هر موضوعی می‌تواند صورت گیرد، از  
کتاب‌های شعر\* و داستان\* و نقد ادبی\* گرفته تا سفرنامه\*ها و  
کتاب‌های علمی - فنی. بیشتر سرلوحه‌ها برگرفته از سخنان  
بزرگان و پژوهندگان نامی، مثل\*ها و ضرب‌المثل\*ها، شاه  
بیت‌ها و نظایر این‌ها هستند و غالباً نیز بار آموزشی - اندرزی  
دارند. عموم نویسندگان سرلوحه آثار خویش را از گفته‌ها و  
نوشته‌های دیگران برمی‌گزینند؛ اما گاه شاعر یا نویسنده‌ای  
سرلوحه‌ای از نوشته‌های خویش را برای اثر خود انتخاب  
می‌کند. مثلاً میر سعید میر شکر، شاعر و نمایشنامه‌نویس  
تاجیکستانی (۱۹۱۲-۱۹۹۳م) در داستان لنین در پامیر چندین  
مصراع از شعر خود، «از زنده‌ها هم زنده‌تر» را سرلوحه آورده  
است. از نمونه آثار ادبی که سرلوحه هم دارند، می‌توان از  
موسیقی شعر نوشته محمد رضا شفیعی کدکنی، ساختار و تأویل  
متن گرد آورده بابک احمدی و سفرنامه جکسن نوشته ابراهیم  
و. ویلیامز جکسن ترجمه منوچهر امیری و فریدون بدره‌ای یاد  
کرد. سرلوحه را می‌توان گونه‌ای براعت استهلال\* دانست.

منابع: دایرةالمعارف شوروی تاجیک، ۱۹۷/۸، ۱۹۸، فرهنگ

اصطلاحات ادبیات شناسی، ۱۳۸، فرهنگ بلاغی - ادبی، ۱۲۹۵/۲،

فرهنگ جامع چاپ و نشر، ۱۱۶۷

A Dictionary of Literary Terms, Cuddon, 236; The Concise

Oxford Dictionary of Literary Terms, Baldick, 72.

قاسم‌نژاد

منابع: اسرارالبلاغه، ۲۱۷-۲۱۸، المعجم، ۴۶۴-۴۷۶؛ صور خیال در

شعر فارسی، ۲۰۲-۲۲۰؛ فرهنگ اصطلاحات ادبی، داد، ۱۶۹؛ فنون

بلاغت و صناعات ادبی، ۳۵۷-۳۹۴؛ کتاب شناخت، ۳۴-۳۵؛ موسیقی

شعر، ۲۰۳-۲۰۴؛ نقد ادبی، زرین کوب، ۱/۹۷-۱۱۲، ۱۶۸-۱۶۹؛

واژه‌نامه هنر شاعری، ۱۳۳-۱۳۵؛ سابق، «سرفات ادبی»، مجله ادبی

هرات، سال هفتم، شماره ۹-۱۰، صص ۵۰۳-۵۲۱.

ربیعیان

سرگذشتنامه ← زندگینامه

سرگذشتنامه خودنگاشت ← زندگینامه خودنوشت

سرلوحه (sar.low.he)، معادل واژه انگلیسی epigraph سخنی